

بررسی سطح تبعیض بین دختران و پسران در خانواده

دکتر زهرا قاسمی^۱

چکیده

اعمال تبعیض در خانواده با سایر تحولات ارزشی برابر گرایانه در جهان امروز در تعارض است و تبعیض جنسیتی در خانواده طی جامعه پذیر کردن و نهادینه سازی هنجارها و فرهنگ رفتاری بر فرایند توسعه انسانی اثر می‌گذارد. پژوهش حاضر دو هدف را دنبال کرده است: شناخت میزان تبعیض در خانواده میان دختر و پسر و شناخت اثر سطح تبعیض در خانواده بر انتظارات والدین از ازدواج آینده دخترانشان. تحقیق به کمی و روش تحقیق پیمایشی است و نمونه ای شامل ۵۰۰ نفر از والدین ساکن در تهران که حداقل یک فرزند پسر و دختر دارند، مورد مطالعه قرار گرفته اند. بر اساس نتایج تحقیق: میزان تبعیض در پنج مولفه؛ بین دختر و پسر در درون خانواده در سطح کم، ولی با ورود دختران به جامعه میزان تبعیض افزایش می‌یابد. بین سطح تبعیض جنسیتی در خانواده و سن والدین، شغل آنها، در آمد خانواده، طول عمر خانواده و تعداد فرزندان رابطه معنی دار وجود ندارد. بین سطح تبعیض و تحصیلات مادر رابطه منفی و بین سطح تبعیض و انتظارات والدین از ازدواج دختران رابطه معنی دار قوی و مثبت وجود دارد. هر چه تبعیض میان دختر و پسر در خانواده کمتر می‌شود والدین به خصوص پدر انتظار برابری بیشتر میان دختر خود و داماد را دارند.

واژگان کلیدی: تبعیض جنسیتی، جامعه پذیر کردن جنسیتی، عمر خانواده، انتظارات والدین

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۵

مقدمه

زنان و مردان هر دو از نظر زیست‌شناسی و پزشکی دارای وجوه مشترک نوع بشر یا انسان می‌باشند و فقط تفاوت آنها از نظر زیستی تفاوت جنسی است، اما در جوامع در حال توسعه برای این انسان دو نوع امکانات مختلف توانایی‌های مختلف و قواعد حقوقی مختلف وجود دارد، که توانایی‌ها و رشد آنها را محدود می‌کند. در زمان‌های گذشته نابرابری‌های مختلف بین زنان و مردان را به عوامل فیزیولوژیکی نسبت می‌دادند. اما با ظهور موج دوم فمینیسم دو واژه "جنس" و "جنسیت" از یکدیگر تفکیک شدند. اصطلاح جنس بر تفاوت‌های بیولوژیک و فیزیکی میان مردان و زنان دلالت دارد، حال آنکه جنسیت ناظر بر ویژگی‌های شخصی و روانی و تفاوت‌های اکتسابی فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناختی میان زنان و مردان می‌باشد که جامعه آن را تعیین می‌کند. (گیدنز، ۱۳۷۳:۷۵) پسر یا دختر به دنیا آمدن، پیامد مهمی برای همه جنبه‌های زندگی خواهد داشت. مردانگی و زنانگی که در طی جریان جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد منجر به تمایزات و تفاوت‌های گوناگون بین زنان و مردان خواهد شد (گرت، ۱۳۷۹:۹). درحالی‌که جامعه ایرانی شرایط در حال گذار را طی می‌کند، خانواده نیز تحولات جدی را می‌گذراند. تحرک اجتماعی، رشد تکنولوژی، گسترش زندگی شهری و جابه‌جایی بیشتر و ارتباطات گسترده رخ داده اما همچنان عناصر کارکردی و ساختاری و ارزشی از خانواده گسترده خاص جامعه روستایی سعی در حفظ خود دارد. تعارض میان واقعیت عینی (نوع زندگی شهری، ارتباطات گسترده - جابه‌جایی مکانی) و هنجارهای خانواده گسترده مانند: اقتدار پدر، مداخله‌های خانواده در انتخاب فرزندان، اعمال قدرت و تفاوت‌گذاری میان دختر و پسر با زندگی امروزی هماهنگ نمی‌باشد. عواملی مثل تحصیلات زنان، وضعیت اشتغال و نوع شغل زنان، میزان تحصیلات پدر و مادر، وضعیت اشتغال مادر، تحصیلات و نوع شغل و نیز درآمد شوهر را بر نگرش زنان بر نابرابری جنسیتی موثر دانسته‌اند. (موحد، ۱۳۸۴). در بررسی اثر مذهب بر نگرش به نقش جنسیتی در بین زنان آمریکایی عرب تبار و اعضای یک گروه قوی شامل مسیحیان و مسلمانان به پیش‌داوری رایج درباره زنان آمریکایی عرب تبار اشاره می‌کند که آنها را سنت‌گرایان اسلامی پیچیده در چادر و محصور در خانه تصور می‌کند. با این حال، به اعتقاد او، مطالعات تجربی اندکی، اثر اسلام را بر نگرش‌ها و رفتارهای زنان آمریکایی عرب تبار مستند ساخته است. همچنین این تحلیل نشان می‌دهد که در شکل دادن به

نگرش به نقش جنسیتی، مذهبی بودن و قومیت مهم تر از پیوندهای آنها به عنوان مسلمان و مسیحی است" (طالب، ۱۳۸۳: ۳۰).

در جامعه ایران، خانواده‌ها درگیر تعارض میان دو نسل هستند معمولاً فرزند دختر و پسر خود را با امیدها و آرزوهای یکسان و برابر پرورش می‌دهند ولی زمان ازدواج فرزندان، خانواده دچار نگرانی - سردرگمی و اضطراب برای ازدواج دختر خود می‌شود. والدین شرایط نا برابر هنجاری در زندگی خانوادگی و قواعد رسم و رسومات محدود کننده زن را شاهد اند، از ابتدای ازدواج به جهت یاری رساندن به دختر خود دچار بحران می‌شوند و زندگی هسته ای جدید ایجاد شده سرشار از ملاحظات خانواده پسر و دختر می‌گردد و استقلال عمل و نیز زندگی آرام فقط بشکل یک رو یا باقی می‌ماند و در عمل جنگ‌ها و تضادها شروع می‌شود. بدین ترتیب شناخت سطح تبعیض میان دختر و پسر در خانواده که دارای اثرات دو سویه "مثبت و منفی" است، برای برنامه ریزی توسعه ای خانواده و پیش گیری از انفجار خانواده مهم است. شناخت سطح تبعیض میان دختر و پسر خانواده و بررسی تغییرات آن کمک می‌کند تا عوامل موثر بر آن شناخته شده و بتوان با تغییر برخی عوامل موثر راهکارهایی برای ایجاد حس عدالت و برابری بیشتر در خانواده ایجاد کرد و در اینجا آرامش و صلح از خانواده به بیرون منتقل خواهد شد. و زمینه‌های اجتماع توسعه یافته اینگونه فاهم می‌گردد. از سوی با شناخت انتظارات والدین از ازدواج دختران و فاصله این انتظارات با واقعیات جامعه می‌توان به عاملهای بی ثباتی خانواده رسید. با توجه به موارد فوق سوال اولیه و آغازین تحقیق به این می‌پردازد که: در ایران چه میزان تبعیض میان دختران و پسران در خانواده انجام می‌گیرد؟ و چه عواملی بر آن اثر دارند؟ در این تحقیق دو هدف دنبال می‌شود: الف- شناخت میزان تبعیض میان فرزند دختر و پسر در خانواده، ب- شناخت اثر میزان تبعیض بین پسر و دختر بر انتظارات والدین از ازدواج دخترشان.

مرور مطالعات داخلی و خارجی در مورد موضوع مورد بررسی نتایج زیر را به دست داده است. مطالعه ای توسط فربر در قالب نظرخواهی از ۳۱۱ زوج در پیوریادی کاتور و ۴۰۹ زوج در پیوریادی کاتور و ۴۰۹ زوج در شیکاگو انجام شده است. محقق به تأثیر اشتغال زنان در تغییر هرم قدرت خانواده پرداخته و نتیجه می‌گیرد که زنانی که در خارج از خانه کار می‌کنند، سهم بیشتری در تصمیم گیری‌های خانوادگی دارند. همچنین در مواردی چون پول خرج کردن، این که پول چه

کسی و در چه مواردی خرج شود زنان شاغل نظرات تعیین کننده ای داشته‌اند. (فربر، ۱۹۸۲: ۴۵۷ و ۴۷۹). کولیک در سال ۱۹۹۹ بررسی روابط قدرت زندگی زناشویی، منابع آن و ایدئولوژی نقش جنسیتی را شناسایی کرد. این تحقیق تأثیر مجموعه متنوعی از متغیرها شامل منابع، مشارکت عاطفی و عوامل پیش زمینه ای را بر سر روابط قدرت و وابستگی به همسر بررسی کرده است. نتایج می‌گوید هر کدام از همسران که منابع بیشتری در اختیار داشته باشند، قدرت بیشتری خواهد داشت. نظریه فرهنگی رومن به نقل از کولیک بر این باور است که روابط قدرت زوجین تحت تأثیر هنجارهای معطوف به نقش جنسیتی و منابع قابل دسترسی شکل می‌گیرد. (کولیک، ۱۹۹۹: ۱۹۸). کاتارد و همکارانش سال ۲۰۰۵، تأثیر باورهای قالبی جنسیتی دانش آموزان بر روی قضاوت و حدس زنی دانش آموزان در مورد نمرات شان را به صورت شبه آزمایشی و در دو مرحله انجام دادند. هدف از این مطالعه بررسی تأثیر باورهای قالبی جنسیتی دانش آموزان بر برآورد نمرات درسی شان بود. دروس به دو حوزه هنری (حوزه زنانه) و ریاضیات (حوزه مردانه) تقسیم شده بود. نتایج مرحله نخست بدون دست کاری باورهای قالبی جنسیتی نشان داد که باورهای قالبی جنسیتی تأثیر فراوانی بر تخمین و قضاوت نمره درسی شان داشته، به گونه ای که دختران نمره ریاضی خود را بسیار کمتر از نمره واقعی خود پیش از اعلام نمره واقعی تخمین زده بودند. در حالی که پسران نمره خود را در درس هنر قبل از اعلام نمره واقعی کمتر از حد واقعی اعلام شده تخمین زده بودند. در مرحله دوم، با دست کاری باورهای قالبی دانش آموزان نتایج متعادل تر شده بودند و نشان دهنده این موضوع بود که باورهای قالبی جنسیتی در دیدگاه و نگرش‌ها و قضاوت‌های افراد تأثیر به سزایی دارد. (کاتارد و دیگران، ۲۰۰۵: ۵: ۱). هس و همکارانش سال ۲۰۰۰ به بررسی باورهای قالبی در خصوص عواطف و احساسات مردان و زنان دست زده‌اند. ارتباط باورهای قالبی در خصوص احساسات را با رفتارهای احساسی زنان و مردان بررسی شد. زنان در عمل احساسات منفی بیش از مردان از خود نشان نداده‌اند. (هس و دیگران، ۲۰۰۰: ۶۳۹ و ۶۱۰).

تایمرز و همکارانش در سال ۲۰۰۳ در هلند باورهای رایج نسبت به رفتارهای احساسی زنان و مردان را با سه مطالعه جداگانه بررسی کردند. در مطالعه اول، ۱۸۰ نفر از پاسخ‌گویان باورهای خود را نسبت به رفتارهای احساسی زن و مرد در طبقات چهارگانه تقسیم بندی کردند. این چهار طبقه عبارت‌اند از باورهای تجویزی، باورهای توصیفی، باورهای کلیشه‌ای و باورهای غیر کلیشه‌ای.

پاسخگویان بیشتر با باورهای توصیفی موافق بودن، نه با باورهای تجویزی، همچنان که بیشتر با باورهای کلیشه ای شده موافق بودند. به علاوه، پاسخگویان بیشتر با باورهای کلیشه ای در مورد رفتارهای زنان موافق بودند تا باورهایی که در مورد رفتار احساسی مردان وجود داشت. در مطالعه دوم و سوم نیز این نتایج همچنان تکرار شد (تایمرز و دیگران، ۲۰۰۳:۴۱). وود و شرمین درباره وجود نابرابری نژادی، به مطالعه نابرابری‌های موجود در بین سفید پوستان و سیاه پوستان پرداخته اند، نتایج مطالعه نشان می دهد که تفاوت قابل توجهی بین این دو قشر (سفید پوستان و سیاه پوستان) در زمینه دارا بودن مشاغل اداری، تصاحب پست‌های سیاسی، مسائل بهداشتی، تحصیلات، مسکن، میزان درآمد و ... وجود دارد. وود و شرمین در تبیین این نابرابری به وجود سدهای مصنوعی (عقاید قالبی) اشاره کرده اند. (وود، ۱۳۶۶، صص ۱۰۸-۱۰۱). جان رابینز در مطالعه ای از بین رفتن تبعیض نژادی در جامعه آمریکا را رد کرده و معتقد است که نتایج مطالعات و پژوهش‌های گوناگون نشان دهنده وجود تبعیض نژادی در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و شغلی است و نمی توان چنین نابرابری‌هایی را کتمان کرد ایشان به نقش مهم دولت در نادیده گرفتن چنین تبعیضی و نیز لزوم دخالت دولت در ریشه کن کردن آن اشاره دارد. (رابینز، ۱۳۸۶).

سراج زاده و جواهری ۱۳۸۵ در مطالعه ای، برابری گرای جنسیتی در میان دانشجویان، به اثر متغیرهای زمینه ای و نگرشی بر برابری گرای جنسیتی پرداخته اند. یافته‌ها در ۱۵۲۲ دانشجوی دختر و پسر از ۲۱ دانشگاه سراسر کشور نشان داد دانشجویان، برابری گرای جنسیتی بر اساس دو بعد نقش‌های خانگی و نقش‌های اجتماعی دارند، و در حد قابل ملاحظه ای به نگرش‌های جدید برابرگرا در تقسیم نقش‌های جنسی گرایش دارند. با وجود این، در برخی از زمینه‌ها هنوز واجد دیدگاه‌های سنتی هستند. زنان بیش از مردان برابری گرا بودند. همچنین متغیرهای پایگاه اقتصادی اجتماعی، توسعه یافتگی محل سکونت، مدارای فکری، و گرایش سیاسی اصلاح گرا با برابری گرای جنسیتی رابطه مثبت، و دینداری و محافظه کاری با آن رابطه منفی داشتند. (سراج زاده و جواهری، ۱۳۸۵: ۳). علی امامی نصیر محله سال ۱۳۸۳ به "بررسی عوامل موثر بر میزان قدرت زنان در تصمیم گیری‌های خانواده" نشان داد: رابطه میان درآمد، میزان تحصیلات، میزان اعتقاد به قالب‌های جنسیتی، و تعداد فرزندان و قدرت زنان در تصمیم گیری‌های خانواده معنادار است. اما میان وضعیت اشتغال، منزلت شغلی، فاصله سنی زوجین، طول مدت ازدواج، میزان قدرت مادر

پاسخگویان و میزان علاقه شوهر به همسر و قدرت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده رابطه معناداری یافت نشد. (امامی نصیر محله‌ای، ۱۳۸۳). احمدی و گروسی عوامل موثر بر نابرابری جنسیتی، به ویژه عوامل ایدئولوژیک و عقاید قالبی، را در ۶۸۲ نفر از زنان متأهل ساکن شهر کرمان و روستاهای پیرامون آن بررسی کرد. در این منطقه نابرابری جنسیتی به گونه‌ای محسوس وجود دارد. مهم‌ترین عوامل موثر سطح تحصیلات مرد و زن، سن زن و مرد، محل سکونت، تعداد اعضای خانواده، جامعه‌پذیری جنسیتی، ایفای نقش جنسیتی، ایدئولوژی جنسیتی، عقاید قالبی جنسیتی و است. بین متغیرهای مستقل و وابسته رابطه معناداری وجود داشت. بیشتر زنان به عقاید قالبی که زنان را ضعیف، وابسته، ناتوان، بی‌صلاحیت، احساساتی، و غیر منطقی می‌داند باور دارند. (گروسی، ۱۳۸۳).

تبعیض در اصطلاح دانش جامعه‌شناسی، موقعیتی است که افراد در برابر نقش‌های یکسان از مزایای اجتماعی نابرابر برخوردار می‌شوند. هم‌چنین حالتی که ویژگی‌ها و معیارهای انتسابی مبنای توزیع قدرت یا ثروت قرار گیرد؛ تبعیض نامیده می‌شود. در شرایط تبعیض فرصت تحرک اجتماعی یک‌سان برای افراد وجود ندارد و افراد در آموزش یا انتخاب شغل شرایط نابرابری دارند. از عواملی که به رشد تبعیض در جامعه کمک می‌کند؛ جدایی‌گزینی مکانی افراد جامعه است. تبعیض نژادی، تبعیض جنسی، تبعیض مذهبی و تبعیض سنی از انواع رایج تبعیض هستند. (رفیع پور، ۱۳۷۷). «تبعیض متضمن هرگونه رفتاری است که بر دلایل و موجباتی از نوع طبیعی یا اجتماعی مبتنی باشد، دلایل و موجباتی که نه با استعدادها یا شایستگی‌های فردی ارتباط دارد و نه با رفتار مشخص فرد.» (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۲۱۲). تبعیض، عمل متفاوت و متمایز ساختن چیزهاست و معنای تفاوت گذاشتن متعصبانه و غرض‌آلود بین مردم به خصوص مردمانی با رنگ‌ها و نژادهای مختل را نیز می‌دهد. تبعیض جنسی یعنی اعمال و رفتار، پیش‌داوری‌ها و ایدئولوژی‌هایی که زنان را فرودست‌تر و کم‌ارزش‌تر از مردان و مردان را مسلط بر زنان می‌دانند. از نظر گیدنز تبعیض به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که حق یک گروه را برای استفاده از فرصت‌هایی که در برابر دیگران گشوده است سلب می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۴: ۲۶۴). تبعیض به طور کلی به دو دسته مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می‌شود. تبعیض مستقیم، بی‌توجهی یا کم‌توجهی و تفاوت در رفتار با عده‌ای در مقایسه با دیگران است. تبعیض مستقیم زمانی اتفاق می‌افتد که تمایز در رفتار مستقیماً و به وضوح، منحصر به دلیل

تفاوت‌های مبتنی بر جنسیت و ویژگی‌های زنانه و مردانه‌ای به وقوع بپیوندد که نمی‌تواند با بی طرفی توجیه شود. (رواسیان کاشی، ۱۳۸۷: ۹).

با توجه به کارکردهای گسترده خانواده در سه سطح خرد، میانه، کلان، در ایران تغییرات و تحولات تکنولوژیکی و نیز تغییر ساختار اجتماعی رخ داده است، طبق نظریه دورکیم خانواده گسترده کارکردهای خود را از دست داده و در حال گذار از مدل گسترده به سوی مدل جدید خاص ایران می‌باشد. در این مسیر گذار تبعیض جنسیتی که یادگار و کلیشه دایمی در زندگی اجتماعی است تغییر اندکی کرده ولی همانند سایر جوامع در حال گذار حضور تبعیض میان دختر و پسر نمودی از این عدم هماهنگی میان تقسیم کار اقتصادی رخ داده با عدم تقسیم کار اجتماعی (رخ نداده و یا ناقص) است. و با بهره گرفتن از نظریه تقسیم کار دورکیم در بررسی میزان تبعیض در خانواده می‌توان به میزان آندی ناشی از تحقق تقسیم کار اقتصادی و ناقص بودن تقسیم کار اجتماعی مد نظر دورکیم در خانواده رسید. عوامل اجتماعی و فرهنگی که در طی جریان جامعه پذیری، از خانواده تا مدرسه، همسالان، نظام شغلی و... در تحکیم و برجسته کردن هر چه بیشتر تفاوت‌های جنسیتی بین زنان و مردان و تبعیضات ناشی از آن علیه زنان تأثیر داشته اند و زنان و مردان را به قلمروهای اجتماعی متفاوت سوق داده اند، وقایع مهم زندگی افراد مثل کودکی، همسالان، ازدواج، بچه داری، خانه داری، اشتغال و... موجب ایجاد سرمایه اجتماعی جنسیتی و متفاوت شدن ویژگی‌های زنان و مردان و نوع و منبع حمایت دریافتی شان شده و زنان و مردان را از هم متفاوت می‌سازد. این چرخه زندگی زنان و مردان و شرایط خاص زندگی زنان است که روابط آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (کارتوسی، ۲۰۰۴: ۴)

جامعه شناسی تا نیمه دوم قرن بیستم کمتر در تحلیل مسائل و پدیده‌های اجتماعی به عامل جنسیت توجه می کرد. ولی با رشد جنبش‌های فمینیستی به ویژه در سالهای ۱۹۷۰ به بعد و به کمک ایجاد تمایز میان تفاوت‌های طبیعی (مذکر- مؤنث بودن) و نابرابریهای جنسیتی (زن و مرد بودن) منابع نظری و تجربی مهمی در مورد خانواده طرح گردید. علیرغم تفاوت‌های ایدئولوژیک بین منابع فمینیستی، راه حل مورد توجه آنها برای حل تضاد درون خانواده، در چارچوب دیدگاه‌های معمول جامعه شناسی قرار می گیرد. اما در این تحقیق با توجه به فضای عینی و ملموس جامعه ایران از نظریات سطح خرد و میانه در جامعه شناسی ویر و دورکیم و مارکس و نیز کنش متقابل نمادی در حوزه عام جامعه

شناسی بهره گرفته شد و نظریات فمینیستی کاربردی پیدا نکرد. با رشد آگاهی زنان و دختران از شرایط خود، و شناخت بیشتر و آگاهی برای تغییر موقعیت، نحوه عمل زنان تغییر یافته و میزان استقلال عمل و آزاد اندیشی و حرمت به زن تغییر می‌کند و افزایش می‌یابد. در اینجا با شاغل شدن زن و کسب درآمد بیشتر توسط زن و نیز وقتی طبقه اجتماعی و تحصیلات زن و حتی سن او بالا تر می‌رود، و مرد با واقعیتی خلاف سنت‌ها و عرف روبرو می‌شود و این پدیده در خانه سبب تغییر رفتار اعضای خانواده با زن و دختر و کمتر شدن تبعیض می‌شود. پس میان متغیرهای زمینه ای والدین مانند سن، شغل، تحصیلات، قومیت، و... میزان تبعیض گذاری او میان فرزند دختر و پسر در خانه رابطه وجود دارد. بعضی صاحب نظران اجتماعی منشأ تفاوت‌های روان شناختی بین دو جنس را مسائل و انتظارات اجتماعی و فرهنگی می‌دانند و معتقد هستند این انتظارات نقش‌های جنسیتی و رفتاری متفاوتی را برای دو جنس به دنبال دارد. (بم، ۱۹۷۴: ۱۵۵-۱۶۲).

بم در چارچوب نظریه طرح واره جنسیتی به تحول نقش‌های جنسیتی می‌پردازد، او استدلال می‌کند نقش پذیری جنسیتی به واسطه فرآیند یادگیری تدریجی تشکیل و طرح واره‌های جنسیتی اتفاق می‌افتد. وی نقش مهمی برای فرهنگش در تشکیل طرح واره‌های جنسیتی قائل است از سویی دیگر انتظارات متأثر از جایگاه و نقش فرد و سرمایه اجتماعی او شکل می‌گیرد. طبق نظر بوردیوسرمایه نمادی نوع دیگری از سرمایه است که معمولاً به صورت قدرت و منزلت به نمایش در می‌آید. در مورد سرمایه نمادی، بوردیو بیشتر بر قدرت که عامل تعیین کننده ای در تبیین جایگاه فرد درون سلسله مراتب اجتماعی است تأکید می‌ورزد (به نقل از گروسی، ۱۳۸۳: ۱۲۰). سرمایه نمادین حاصل بازشناسی مشروعیت موضع کسی است که آن را در اختیار دارد. ریشه معنایی سرمایه نمادین را که عبارت است از "قدرت تسلط غالب به شرط قبول مغلوب" می‌توان در یک واقعیت انسان شناختی پیدا کرد: شخص مسلط قدرت خود را از بازشناسی بی چون و چرای کسی می‌گیرد که تسلط وی را مشروعاً پذیرفته باشد. سرمایه نمادین به اشکالی از تسلط میدان می‌دهد که وابستگی ایجاد کند، وابستگی به کسانی که سرمایه اجازه تسلط را به آنها داده است. (شویره، ۱۳۸۵: ۱۰۲). در دیدگاه بوردیو، خشونت نمادین در ساختن واقعیت‌ها نقش دارد. خشونت نمادین به معنای تحمیل نظام‌های نمادها و معناها (یعنی فرهنگ) به گروه‌ها و طبقات است، به نحوی که این نظام‌ها به صورت نظام‌هایی مشروع تجربه شوند. (جنکینز، ۱۳۸۵: ۱۶۳). خشونت نمادین در حوزه جنسیتی

به طبقه مسلط این امکان را می دهد که با تعریف واقعیت به دلخواه خود، که بورديو آن را "اختيار نمادين" می نامد، پیوند نظام نمادين و علايق قدرت را پنهان نگه دارد. خشونت نمادين همیشه مبتنی بر باورهای جنسیتی است که گونه ای حمایت برای نظام مسلط اجتماعی فراهم می کند. مفهوم عادت واره، در دیدگاه بورديو، نوعی آمادگی عملی، آموختگی ضمنی و فراست است. عادت واره نوعی تربیت یافتگی اجتماعی از نوع ذوق و سلیقه است، که به عواملان اجتماعی این امکان را می دهد که روح قواعد، آداب، جهت ها، ارزش ها، روش ها و دیگر امور حوزه (میدان) خاص خود (میدان علمی، اقتصادی، ورزشی، هنری، سیاسی و...) را دریابند، و درون آن پذیرفته شوند، جا بیفتند و منشأ اثر شوند (بورديو، ۱۳۸۰: ۱۶).

والدین در ایران بر اساس نوع برخوردی و الگوهای تربیتی که در خانواده با فرزندان دارند انتظار دارند که فرزندشان همان اصول ارزشی و رفتاری را در بزرگ سالی نشان دهد تا زحمات آنان هدر نرود. در حالی که در جامعه امروزی زندگی می کنند و برای دختران خود به تساوی رفتار کرده اند و او را در ناز و نعمت بزرگ کرده اند، انتظار دارند که دامادشان قدر زحمات آنها را دانسته و با دختر آنان به حرمت و احترام رفتار کند. این والدین نقش های جدید را برای دختران پذیرفته اند در واقع آن نقش ها را درونی کرده و اجرا می کنند و انتظارات جدیدی هم از رفتار جامعه با دختران دارند. آنان روابط برابانه تری با دختر و پسر خود برقرار کرده و در پی آن برای ازدواج آنها نیز انتظارات و توقعات جدیدی از آینده و روابط خانوادگی دختران خود دارند. این والدین حقوق بیشتری برای دختر خود نسبت به دوره ازدواج خود قائل هستند. می توان گفت: هرچه پدر تبعیض کمتری میان فرزند دختر و پسر خود قائل باشد بیشتر به سمت انتظارات برابری خواهانه در ازدواج دختر خود گرایش دارد. دختران همانند پسران برای پدر نقش عزیز و جگر گوشه را دارند و پدر و مادر مایل نیستند که دست پروده در ناز و نعمت بزرگ شده خود را به کسی بدهند که زور می گوید و قلدری کرده و تنبیه و کتک بزند و یا از خانه بیرون کند این رفتارهای سنتی مردانه در زندگی خانوادگی نسل امروز به فراوانی دیده شده و عامل جدایی و طلاق و حمایت والدین از فرزند دختر خود است. این روابط غلط در متن سنت و فرهنگ خانواده وجود دارد و از مرد سالاری ریشه می گیرد. اما امروز عامل اصلی انزجار والدین از داماد است. لذا این مدل از تربیت برابانه تبعیض در درون خانواده نسل جدید را بر نمی تابد و انتظارات والدین از ازدواج دختر خود به شدت متاثر از میزان

انرژی و محبت و رفتار عادلانه‌ای است که والدین به دختر در کودکی داده‌اند. پی‌می‌توان گفت هر چه دختر بدون تبعیض و با اصول برابری بیشتری پرورش یافته باشد والدین او انتظارات عدالت بیشتری از ازدواج او دارند. پس میان میزان تبعیض بین دختر و پسر در خانواده با نوع انتظارات والدین از ازدواج دختر رابطه وجود دارد..

روش‌شناسی

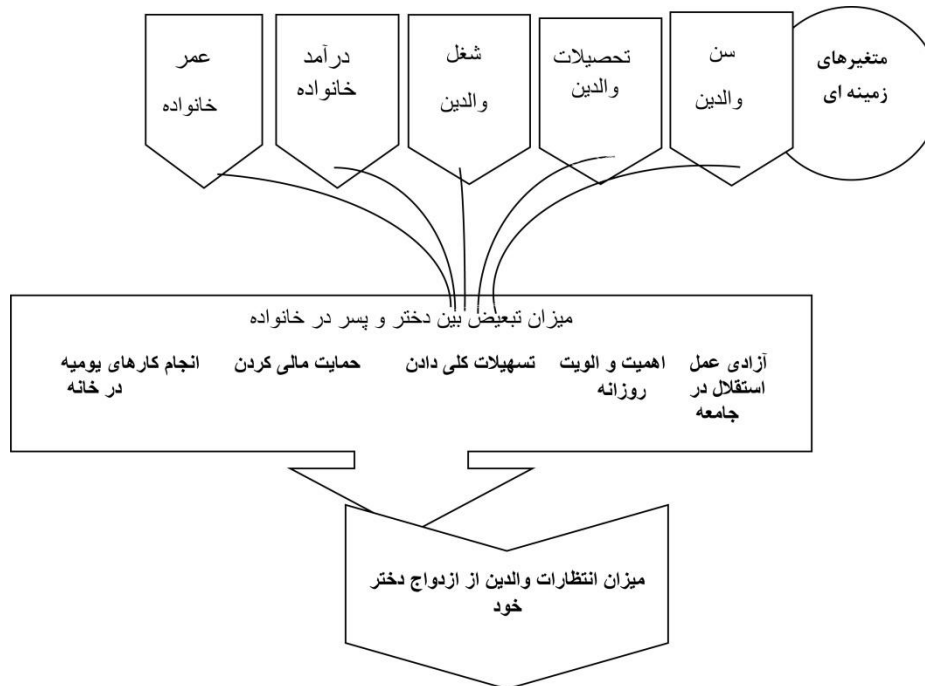
در این تحقیق از روش " کمی و تکنیک پیمایش استفاده شده و ابتدا به کمک مطالعات نظری، چارچوب نظری تدوین و فرضیات طرح گردید، با استفاده از پرسشنامه از جامعه آماری، ۵۰۰ تن از والدین که دارای حداقل یک پسر و یک دختر (ازدواج نکرده) هستند، پرسشگری انجام شد. روش نمونه‌گیری احتمالی طبقه‌بندی شده که از میان مناطق ۱۱ گانه تهران (از ۲۲ منطقه به صورت رندوم ۱۱ منطقه انتخاب و سپس از هر منطقه به صورت رندوم تعدادی ناحیه انتخاب شد و در نواحی به صورت رندوم با کمک جدول اعداد تصادفی به سراغ تعدادی محله و خیابان رفته و پرسشگری شد. به منظور توصیف داده‌ها از جداول فراوانی، درصد، میانگین نمرات و در بخش آمار استنباطی توسط نرم افزار Spss از آزمون کای اسکویر برای فرضیه‌های دارای متغیرهای رتبه‌ای و اسمی، و آزمون رگرسیون برای سایر متغیرها استفاده شد.

فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر هستند:

- احتمالاً میان سن مادر و پدر با میزان تبعیض‌گذاری او میان فرزند دختر و پسر در خانه رابطه وجود دارد.
- احتمالاً میان شغل مادر و پدر با میزان تبعیض‌گذاری او میان فرزند دختر و پسر در خانه رابطه وجود دارد.
- احتمالاً میان طول عمر خانواده فرد و میزان تبعیض‌گذاری او میان فرزند دختر و پسر در خانه رابطه وجود دارد.
- احتمالاً میان تحصیلات مادر و پدر میزان تبعیض‌گذاری او میان فرزند دختر و پسر در خانه رابطه وجود دارد.
- احتمالاً میان درآمد و میزان تبعیض‌گذاری او میان فرزند دختر و پسر در خانه رابطه وجود دارد.

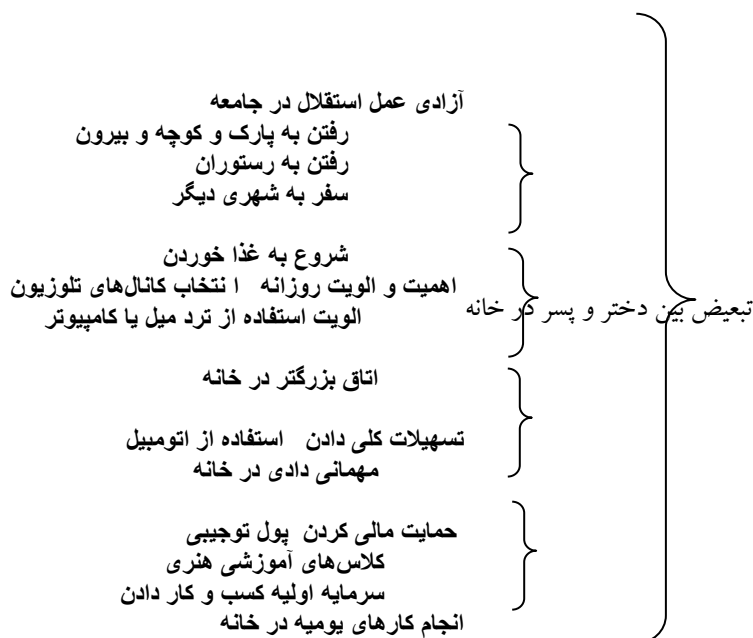
- احتمالاً بین میزان تبعیض گذاری والدین (میان فرزند دختر و پسر در خانه) و سطح انتظارات آنان از ازدواج فرزند دختر خود رابطه وجود دارد.

مدل نظری پژوهش



تعریف نظری تبعیض جنسیتی: برخی نابرابری جنسیتی را نابرابری زن و مرد در امکانات موجود دانسته اند. (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۶۷۳) و برخی دیگر، هر گونه رفتار، سیاست، زبان و دیگر کنش‌هایی را که نشان دهنده دیدگاه ثابت، فراگیر و نهادینه شده اعضای جامعه نسبت به زنان به عنوان موجوداتی فرودست باشد، به معنای نابرابری جنسیتی دانسته اند (اعزازی، ۱۳۸۰، ص ۶). در تعریف دیگری، نابرابری جنسیتی عبارت است از برخورد یا عملی که بر اساس جنسیت افراد به تحقیر، طرد، خوار شمردن و کلیشه بندی آنان می پردازند. (شادلو، ۱۳۸۰، ص ۲۱۱). با توجه به حوزه‌های اصلی ارتباط میان والدین و فرزندان بر اساس کارکردهای اصلی خانواده: آزادی عمل و استقلال، اهمیت و الویت روزانه دادن، تسهیلات کلی دادن، حمایت مالی، یاد دهی امور منزل و

انجام کارهای یومیه در پنج مولفه تبعیض در قالب تفاوت گذاری میان فرزندان دختر و پسر دیده می‌شود. مولفه‌های تبعیض در دو فضای بیرون و درون خانه مطرح هستند. تعریف عملیاتی تبعیض جنسیتی: تبعیض به شکل تفاوت گذاری میان فرزند دختر و پسر در خانواده در پنج مولفه زیر طرح شد و هر مولفه دارای چندین پرسش می‌باشد. مجموعه این سازه به شکل طیف پنج جوابی مورد بررسی قرار گرفت.



تعریف نظری انتظارات والدین از ازدواج دختر: انتظارات والدین از ازدواج دختر براساس تجارب اجتماعی آنان درزندگی خانوادگی خود و اطرافیان، و طی تجربه استفاده از تکنولوژی ارتباطات جدید و گستردگی رسانه‌ها و آگاهی از سایر فرهنگ‌ها و جوامع شکل می‌گیرد و در واقع برآورد خانواده از شرایط مطلوب دخترشان در زمینه اشتغال، آزادی عمل انتخاب رشته تحصیلی، مسکن، طلاق و ارث می‌باشد. (اعزازی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۰-۱۴۵).

تعریف عملیاتی انتظارات والدین از ازدواج دختر: درشش مولفه میزان انتظارات والدین از ازدواج دخترشان بررسی و برای هر مولفه پاسخ‌ها در پنج گزینه از بسیار کم تا بسیار زیاد دسته‌بندی شدند: ضرورت اشتغال قبل از ازدواج برای دختر، اجازه اشتغال دختر بعد از ازدواج، اجازه ادامه تحصیل، اجازه انتخاب محل سکونت، حق جدا شدن و طلاق، حق ارث برابر با پسر از پدر

یافته‌های تحقیق

براساس تعریف عملیاتی تبعیض میان دختر و پسر دارای پنج بعد اصلی است هر کدام از این ابعاد خود به چند مولفه تقسیم می‌شود. هر یک از این مولفه‌ها دارای چندین پرسش مربوطه می‌باشند که در زیر ملاحظه می‌کنید و مجموعه این سازه به شکل طیف پنج جوابی مورد بررسی قرار گرفته‌است.

جدول ۱ توزیع فراوانی میزان تبعیض بین دختر و پسر از دیدگاه والدین

میزان تبعیض کل بین دختر و پسر در خانه	انواع گزینه‌ها	فراوانی	درصد	درصد فراوانی تجمعی
بسیار کم،	81	16.2	16.2	
کم،	137	27.5	43.7	
متوسط،	150	30.1	73.7	
زیاد،	92	18.4	92.2	
بسیار زیاد	39	7.8	100.0	
جمع کل	499	100.0		

بیشترین فراوانی سطح تبعیض متعلق به گزینه متوسط است. در ۳۰ درصد که یک سوم از پدران یا خانواده‌ها می‌شوند، به طور متوسط اعمال تبعیض وجود دارد. کمترین فراوانی را تبعیض زیاد دارد. نکته جالب اینکه با جمع‌بندی مقادیر بالای سطح متوسط می‌توان گفت که فقط در ۲۶ درصد خانواده‌ها مقدار زیاد و بسیار زیاد تبعیض بین دختر و پسر وجود دارد. و در ۴۷ درصد خانواده‌ها سطح تبعیض کم و بسیار کم است. با کمک آزمون من وایت نی مشخص شد که تفاوت معنی داری میان پاسخ‌های مادران و پدران به سوالات تبعیض میان دختر و پسر در خانه وجود دارد.

مقادیر	میزان تبعیض در خانواده بین دختر و پسر
22878.000	آزمون من وایت نی Mann-Whitney U
61659.000	آزمون ویل کا کسون Wilcoxon W
-4.907	آزمون زی Z
.000	سطح معنی داری

پدران بیشتر از مادران تبعیض را در خانه گزارش کرده‌اند. در طرح تحقیقی مربوطه بررسی رابطه میان پدر سالاری موجود در خانه با میزان تبعیض نتایج نشان داد که هر چه پدرسالاری در خانه بیشتر

باشد تبعیض میان دختر و پسر نیز بیشتر می‌شود (جدول ۴-۳۱ در طرح پژوهشی مربوطه) و این خود معرف تفاوت عمل کرد پدر و مادر در خانه می‌باشد. پدران بیشتر از مادران بین دختر و پسر خود فرق می‌گذارند.

جدول ۲ فراوانی میزان تبعیض بین دختر و پسر از دیدگاه مادر خانواده برحسب نوع رفتار والدین با دختر و

پسر در خانه			
مادر	انواع گزینه‌ها	فراوانی	درصد
میزان تبعیض بین دختر و پسر در خانه	بسیار کم،	62	22.3
	کم،	79	28.4
	متوسط،	77	27.7
	زیاد،	44	15.8
	بسیار زیاد	16	5.8
	جمع کل	278	100.0

در اینجا از دید مادران میزان تبعیض مطرح شده است. همانطور که ملاحظه می‌کنید بیشترین فراوانی متعلق به گزینه کم است و در مجموع ۵۰ درصد مادران کم و بسیار کم بین دختر و پسر خود تبعیض می‌بینند که این دیدگاه دقیقاً عملکرد مادر را نشان می‌دهد و مادر کمتر تبعیض می‌گذارد پس کمتر هم گزارش می‌کند. فقط ۲۱ درصد مادران زیاد و بسیار زیاد تبعیض در خانه میان دختر و پسر خود می‌بینند. این آمار نشان می‌دهد از نظر مادران میزان تبعیض اعمالی در خانه کمتر از میزان تبعیض کل است به بیان دیگر مادران کمتر از پدران در خانه بین دختر و پسر خود فرق می‌گذارند و چون خود قربانی تبعیض پدر سالاری در خانه هستند پس این فشار را روی دختر خود کمتر می‌کنند.

جدول ۳ فراوانی میزان تبعیض بین دختر و پسر از دیدگاه پدر در خانواده برحسب نوع رفتار والدین با آنها

پدر	انواع گزینه‌ها	فراوانی	درصد
میزان تبعیض بین دختر و پسر در خانه	بسیار کم،	19	8.6
	کم،	58	26.2
	متوسط،	73	33.0
	زیاد،	48	21.7
	بسیار زیاد	23	10.4
	جمع کل	221	100.0

در اینجا از دید پدران میزان تبعیض (تفاوت گذاری) میان دختر و پسر مطرح شده است. همانطور که ملاحظه می‌کنید بیشترین فراوانی ۳۳٫۰ درصد متعلق به گزینه متوسط است که نشان می‌دهد از نظر پدران میزان تبعیض اعمالی در خانه بیشتر به سمت متوسط است. اما نظرات در مقایسه با جدول

کل تبعیض به سمت زیاد و بسیار زیاد حرکت کرده است. به این مفهوم که میزان تبعیض زیاد و بسیار زیاد را پدران اعمال می‌کنند و مقادیر آن بیشتر از جدول کل شده است. در این مرحله به بررسی فراوانی تک تک سولات تبعیض می‌پردازیم.

جدول ۴ فراوانی میزان تبعیض بین دختر و پسر در خانواده برحسب مولفه‌های اصلی تبعیض

تبعیض کم	تبعیض متوسط	تبعیض زیاد	میزان تبعیض بین دختر و پسر در خانه		
دختر و پسر مثل	اغلب پسر	بیشتر پسر خیلی کم	م	دخترم	دخترم
درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی
آزادی عمل استقلال در جامعه ر رفتن به پارک و کوچه و					
35	۱۷۶	30	150	34	171
بیرون					
37	۱۸۲	26	۱۳۰	36	182
رستوران رفتن بیرون غذا خوردن					
30	148	19	۱۰۰	50.5	253
سفر کوتاه با دوستان					
اهمیت و الویت روزانه دادن					
41.7	209	27.5	138	30.3	152
شروع به غذا خوردن					
37.3	209	27.5	138	30	152
انتخاب کانال‌های تلویزیون					
46	231	26.9	135	26.5	133
الویت استفاده از تردمیل یا کامپیوتر					
تسهیلات کلی دادن					
57	286	23.6	118	19	95
اتاق بزرگتر و نورگیرتر در خانه					
19.6	98	32	161	47.8	240
استفاده از اتومبیل					
51.7	259	26.3	132	21.6	108
مهمانی دادن در خانه					
حمایت مالی کردن					
52.9	265	23	115	23.8	119
پول توجیبی بیشتر گرفتن					
66.9	335	18	90	14.8	74
کلاس‌های آموزشی و زبان					
22.8	114	21.4	107	55.5	278
سرمایه اولیه کسب و کار دادن					
60.7	303	22.2	111	17	85
خرید کادو و وسایل درسی گران					
19.6	98	32	161	47.8	240
یاد دهی امور منزل و انجام کارهای یومیه در خانه					
انجام دادن کارهای خانه و نظافت و شستشو و گردگیری					

در مولفه آزادی عمل و استقلال در جامعه بیشترین فراوانی متعلق به تبعیض کم است این مولفه خود شامل سه پرسش است که به پارک رفتن و کوچه و خیابان گشتن بیشترین فراوانی در مقدار تبعیض کم می‌باشد و در رستوران رفتن و بیرون غذا خوردن جامعه و خانواده‌ها پذیرای حضور دختران هستند و مقدار تبعیض کم است. ولی در سفر کوتاه و با دوستان بیشترین فراوانی در تبعیض زیاد است. به این معنا که در خانواده‌ها به دختران بسیار کمتر از پسران اجازه سفر رفتن با دوستان به

شهرهای دیگر داده می‌شود. در مولفه اهمیت و اولویت روزانه: در همه موارد تبعیض کم است. در شروع به غذا خوردن کردن بیشترین فراوانی در تبعیض کم می‌باشد. انتخاب کانال‌های تلویزیون و اقتدار در استفاده از وسایل سرگرم کننده در خانواده‌ها مقدار تبعیض کم است. الویت استفاده از ترد میل و کامپیوتر هم بیشترین فراوانی در تبعیض کم است. به این معنا که در خانواده‌ها به دختران و پسران اجازه یکسان استفاده از امکانات داده می‌شود. در مولفه تسهیلات کلی دادن تبعیض کم است. این مولفه خود شامل سه پرسش است: که در انتخاب اتاق پر نور و بزرگ تر مقدار تبعیض کم و در مهمانی دادن در خانه هم بیشترین فراوانی در تبعیض کم است. به طور کل خانواده‌ها به دختران و پسران اجازه یکسان داده می‌شود. اما در استفاده از اتومبیل تبعیض زیاد است. در مولفه حمایت مالی کردن تبعیض کم است. در کل خانواده‌ها، سهم دختران از پول توجیبی گرفتن و به کلاس‌های مختلف آموزشی و هنری رفتن، و خرید کادو و وسایل درسی در خانه، دختر و پسران یکسان است. در چهار پرسش این مولفه: در پول توجیبی از والدین گرفتن دخترها و پسرها یکسان بوده و در ۵۲ درصد خانواده‌ها فرقی بین دختر و پسر در میزان پول توجیبی نیست. استفاده از کلاس‌های آموزشی و زبان انگلیسی یاد گرفتن نیز دختر و پسر یکسان اند. اما در گرفتن سرمایه اولیه برای کسب و کار تبعیض زیاد است و پسران بسیار بیشتر از دختران از سرمایه پدر برای کار و درآمد زایی استفاده می‌کنند. در خرید کادو نیز یکسانی بین دختر و پسر وجود دارد. در کلاس زبان و آموزشی بیشترین برابری میان دختر و پسر دیده می‌شود. و در کسب سرمایه بالاترین مقدار تبعیض بین دختر و پسر دیده می‌شود. در مولفه یاد دهی امور منزل و انجام کارهای یومیه خانه تبعیض زیاد دیده می‌شود. متغیر اصلی دیگر تحقیق به عنوان متییر وابسته سطح انتظارات والدین از ازدواج دختر است که توسط ۶ مولفه عملیاتی شد.

جدول ۵ فراوانی میزان انتظارات والدین (مادر و پدر هر دو) از ازدواج دختر خود

انتظارات والدین از ازدواج دختر خود	انواع گزینه‌ها	فراوانی	درصد	درصد فروانی تجمعی	درصد فروانی تجمعی
کم	۷۰	۱۴	۱۴	۱۰۰	۱۰۰
متوسط	۲۵۰	۵۰	۶۴	۸۶	
زیاد	۱۷۶	۳۶	۱۰۰	۳۶	
جمع کل	۴۹۹	۱۰۰			

از کل پاسخگویان در ۵۰ درصد که نیمی از خانواده‌ها می‌شوند، انتظارات والدین از ازدواج دختر خود جدید تر شده و با عرف قدیم و توقعات سنتی فاصله گرفته است. انتظارات کم از ازدواج دختر

خود را فقط ۱۴ درصد از والدین دارند. ۸۶ درصد از والدین انتظارات متوسط و زیاد از ازدواج دختران خود دارند. در این مولفه ما شاهد تحول عجیب نظرات والدین در مورد ازدواج دخترانشان هستیم در ۳۶ درصد والدین یعنی بیش از یک سوم خانواده‌ها انتظارات زیاد از ازدواج دختر وجود دارد بدین معنی که از بی اهمیتی جامعه به اشتغال زن حرف میزنند، انتظار شغل برای دختران خود را دارند، حق کار کردن پس از ازدواج برای دختر خود قایل هستند، حق درس خواندن در خانه شوهر و حتی اگر همسر دختر اشکال تراشی کرد حق جدا شدن دختر خود را و حتی پدر برای دختر خود حقارت برابر با پسر خود را قائل است.

idaltot	انتظارات والدین برای ازدواج دخترشان
24773.000	آزمون من وایت نی Mann-Whitney U
49304.000	آزمون ویل کا کسون Wilcoxon W
-3.737	آزمون زی Z
.000	سطح معنی داری sig

آزمون من وایت نی مشخص کرد، تفاوت معنی داری میان نظرات مادران و پدران از انتظاراتشان برای ازدواج دخترشان وجود دارد. مقایسه میان انتظارات پدران و مادران هم انجام شد.

جدول ۶ مقایسه تفاوت انتظارات مادران و پدران از ازدواج دختر خود در خانواده‌های مورد بررسی در تهران

فراوانی پدران درصد		انتظارات از ازدواج دختر خود		فراوانی مادران درصد	
40	18	کم	۳۰	۱۰	
115	52	متوسط	۱۳۵	۴۸,۶	
66	30	زیاد	۱۱۳	۴۰,۶	
21۲	100	جمع کل	۲۷۸	۱۰۰	

در بیشتر مادران و پدران متوسط خواهان اجازه اشتغال قبل ازدواج به دختر، اجازه شغل داشتن بعد ازدواج، اجازه ادامه تحصیل، اجازه انتخاب محل سکونت، حق جدا شدن و طلاق، حق ارث برابر با پسر از پدر هستند. تفاوت در سطح کم و زیاد در نظرات مادر و پدر وجود دارد. به طوریکه: ۱۸ درصد پدران و ۱۰ درصد مادران انتظار کم دارند. در حالیکه ۳۰ درصد پدران انتظارات زیاد دارند اما ۴۰ درصد مادران انتظارات زیاد دارند. به واقع مادران رویای زندگی آزادانه تری برای فرزند

خود دارند. این نتایج ریشه در نوع زندگی و جامعه پذیری این دو گروه (زن و مرد) دارد. مردان آزادانه‌تر در اجتماع در ارتباط متقابل با سطوح خرد و میانه و کلان قرار دارند و نهادهای مختلف اجتماعی برای آنان تسهیلات و امکانات را مهیا می‌کند و لایه‌های مختلف اجتماعی و انسانی از جنس آنهاست. پدر درک مستقیمی از تبعیض جنسیتی ندارد. حالیکه زنان که خود تجربه تلخ سوگیری و محدودیت در همه عرصه‌های ارتباطی با جامعه را دارند. انتظارات مادران بیشتر از میزان انتظارات کل است. از سویی دیگر مادران میزان تبعیض‌گری کمتری نسبت به پدر دارند. در واقع مادر با تجربه فضای خانه و تحت تبعیض بودن، درک تلخ از تبعیض دارد. لذا مادر انتظارات و ارزیابی آزادی عمل بیشتری برای دختر خود دارد. در حالیکه پدر در خانه مزه تبعیض را نچشیده است و فقط تبعیض جنسیتی را در سطح ذهنی می‌فهمد. گرسنه از سیر خبر ندارد. پس در مادران توقعات محکم‌تر و جدی و برابر خواهانه‌تر برای فرزند دختر وجود دارد. به دلیل اهمیت این متغیر تک تک سوالات آن را ملاحظه می‌کنید و مقایسه میان والدین هم در ذیل آمده است.

جدول ۲ فراوانی میزان انتظارات والدین از ازدواج دختر خود بر حسب مولفه‌های اصلی آن

انتظارات والدین از ازدواج دختر خود	درخواست برابری کم،			درخواست برابری متوسط،		درخواست برابری زیاد	
	مادر پدر	مادر پدر	مادر پدر	مادر پدر	مادر پدر	مادر پدر	مادر پدر
۱- ضرورت اشتغال قبل ازدواج برای دختر	۲۰	۲۱,۷	۶۲,۰	۶۲,۹	۱۷,۶	۱۵,۴	
۲- اجازه اشتغال دختر بعد از ازدواج	۳۷,۶	۲۸,۱	۴۳,۴	۴۸,۴	۱۸,۶	۲۳,۵	
۳- اجازه ادامه تحصیل	۵۷,۹	۴۸	۱۰,۱	۱۹,۹	۳۱,۹	۳۱,۷	
۴- اجازه انتخاب محل سکونت	۱۸,۳	۱۸,۴	۶۸,۳	۵۷,۰	۱۳,۳	۲۳,۳	
۵- حق جدا شدن و طلاق	۶۴,۴	۵۱,۱	۲۵,۲	۲۹,۹	۱۰,۴	۱۹	
۶- حق ارث برابر با پسر از پدر	۴۹,۳	۵۴	۲۷,۳	۳۳,۵	۲۳,۴	۴۲	

از بین همه گزینه‌ها مهمترین تفاوت نظرات در حق طلاق است. کمترین فراوانی متعلق به ۱۰ درصد مادران است که حق طلاق را زیاد حق دخترشان می‌دانند و بیشترین فراوانی را نیز مادرانی دارند که حق طلاق را برای دخترشان نمی‌خواهند و مایلند دخترشان به زور هم شده زندگی کند. این واقعیت پنهان در عرصه تبعیض قانونی طلاق در جامعه است. بیشترین فراوانی با والدینی است که حق طلاق را برای دخترشان نمی‌خواهند. با وجودی که دختران حقی برای طلاق در جامعه ندارند اما والدین کمی حق طلاق را خواسته‌اند. و متوسط والدین معتقدند که در صورت کارد به استخوان رسیدن دخترشان بهتر است با بخشیدن مهر به شوهر طلاق بگیرد. بیشترین تفاوت نظر میان پدر و مادرها در و زمینه ارث است که مادرها ۲۳ درصد ارث برابر را بین دختر و پسر می‌خواهند و لی

پدرها دو برابر مادران مایل به برابری ارث هستند و این نگاه جدید پدران به تبعیض میزاث بری مولد تحولات عمیق عرفی در آینده است. در مقایسه کلی تفاوت نگاه مادران با پدران می توان گفت که کلا: در حق ارث و حق طلاق و انتخاب محل سکونت، پدران بسیار پیشتاز تر از مادران خواهان حق برابری زیاد به دختران هستند. مادران کمتر خواهان این برابری ها هستند. اما در حق ادامه تحصیل و اشتغال بعد و قبل ازدواج پدر و مادر نظرات همسو تری دارند.

در توصیف متغیرهای زمینه ای: در شغل مادر نیز بیشترین فراوانی متعلق به رده پنجم است. ۶۴ درصد مادران شغل: معلمی، کارمند عادی، منشی، مستخدمین دیپلم در بخش خصوصی و دولتی، کارکنان ماهر شیلات و کشاورزی، تکنسین های معمولی در بیمارستان ها، و .. را دارند. بیشترین فراوانی متعلق به پدرانی است که دارای مشاغل رده ششم (در تعداد ۲۱۳ خانواده که شامل ۴۴,۷ درصد) افراد صاحب حرفه مهارت ولی بدون مکان: آرایشگر، نقاش ساختمان، کبابی، نجار و جوشکار، بنا و.... فروشنده، راننده.... هستند. تقریباً نیمی از پدران یا خانواده ها مورد بررسی پدران شغل رده متوسط پایین اجتماعی دارند. از کل پاسخگویان در تعداد ۳۵ خانواده زن خانه دار و یا مشاغل بهیاری و کارگر نظافت منازل و .. را دارد. با توجه به وجود نمونه در سطح تهران به نظر می رسد که تعداد فراوان زن شاغل و کم شدن زنان خانه دار نشان از بروز یک واقعیت دیگر دارد که باید جدی گرفته شود.

جدول ۸ جدول فراوانی متغیرهای زمینه ای سن و شغل و تحصیلات درآمد و عمر خانواده در والدین مورد

بررسی		حداکثر فراوانی درصد	حداقل فراوانی درصد
متغیرهای زمینه ای			
سن مادر	۲۰ تا ۳۰ سال	نفر ۴۸۲۲۸٪	۵۰ سال و بالاتر
سن پدر	۴۰ تا ۵۰ سال	نفر ۲۴۱٪	۲۰ تا ۳۰ سال
تحصیلات پدر	فوق دیپلم	نفر ۲۲۸٪	دکتری
تحصیلات مادر	فوق دیپلم	نفر ۲۲۹٪	سیکل
شغل پدر	رده ۶: افراد صاحب حرفه مهارت ولی بدون مکان: آرایشگر	نفر ۲۱۳٪	مدیران رده بالا وزارت خانه ها و
شغل مادر	معلمین، کارمندان عادی، بازنشسته ها،	نفر ۱۷۰٪	مشاغل عالی رتبه در سطح وزارت و
درآمد	پانصد هزار تومان تا یک میلیون تومان	نفر ۲۵۳٪	یک میلیون پانصد تا دو میلیون تومان

عمر خانواده	۴۰ تا ۳۰ سال	۲۰ تا ۱۰ سال
-------------	--------------	--------------

بیشترین میزان فراوانی عمر خانواده مربوط به پاسخ گویانی است که از عمر خانواده آنان ۳۰ تا ۴۰ سال می‌گذرد و کمترین فراوانی متعلق به ۱۰ تا ۲۰ سال عمر خانواده می‌باشد. بیشترین فراوانی متعلق به گزینه درآمد پانصد هزار تومان تا یک میلیون تومان است و کمترین فراوانی یک میلیون پانصد تا دو میلیون تومان می‌باشد.

جداول تحلیل فرضیه: آزمون فرضیه‌های تحقیق با متغیر وابسته "میزان تبعیض گذاری در خانواده را با تک تک متغیرهای مستقل سطح میانه ملاحظه می‌نماید.

جدول ۹ آزمون فرضیه رابطه میان شغل و تحصیلات و سن والدین با میزان تبعیض دختر و پسر در خانواده

نتایج آزمون‌های آماری در سطح استنباطی و توصیفی						
متغیر وضع مالی خانواده	کمی دو	درجه آزادی	معنی داری	ضریب اسپیرمن	معنی داری	ضریب رگرسیون
	X ²	d.f	Sig.	Sig.	Sig.	Sig.
تحصیلات مادر			0.153	0.000	0.000	-0.207
تحصیلات پدر			0.262	0.075	0.000	-0.287
سن پدر			0.062	0.181	0.273	0.050
سن مادر			0.77	0.91	0.140	0.67
شغل پدر،	39.28	32	0.176	0.017	0.356	
شغل مادر	32.85	28	0.248	0.018	0.346	
درآمد	-	-	-	0.001	0.001	-0.142
عمر خانواده			0.04	0.193	0.193	0.28

سنجش ضریب رگرسیون نشان داد که رابطه معنا دار میان تحصیلات مادر و میزان تبعیض دختر و پسر در خانواده وجود دارد. تحصیلات پدر با تبعیض رابطه ندارد. یعنی با افزایش تحصیلات پدر سطح تبعیض تغییری نشان نمی‌دهد و بین دو متغیر رابطه معناداری دیده نشد. ضریب اسپیرمن و رگرسیون هیچکدام معنی دار نیستند. در بررسی سن والدین هم رابطه معنا دار میان سن والدین و میزان تبعیض دختر و پسر در خانواده وجود ندارد. بین مشاغل مادران و پدران و مقدار تبعیض در خانواده میان دختر و پسر رابطه ای وجود ندارد. در بررسی میانگین درآمد آزمون فرضیه بین دو متغیر فاصله ای (درآمد) و رتبه ای (سطح تبعیض) از طریق سنجش ضریب رگرسیون معتبر است و نشان داد که رابطه معنا دار میان میانگین درآمد خانواده و سطح تبعیض در خانواده وجود دارد. یعنی با افزایش درآمد خانواده سطح تبعیض کمتر می‌شود جهت معکوس با علامت منفی دیده می‌شود و نشانه کم شدن تبعیض است. سنجش ضریب رگرسیون نشان داد که رابطه معنا دار میان

عمر خانواده و میزان تبعیض دختر و پسر در خانواده وجود ندارد. $0,002$ ضریب اسپیرمن I_s با سطح معنی داری $0,193$ نشانه نبودن رابطه است.

جداول تحلیلی انتظارات والدین از ازدواج دختران خود : در آزمون تحلیلی اثرات تبعیض بر انتظارات والدین از ازدواج دختر خود، که در این مرحله به عنوان متغیر وابسته لحاظ گردیده، اثرات میزان تبعیض اعمالی در خانه بر سطح انتظارات والدین از ازدواج سنجیده شد.

جدول ۱۰ آزمون فرضیه رابطه میزان تبعیض دختر و پسر در خانواده با میزان انتظارات والدین از ازدواج دخترشان

تبعیض و انتظارات	B	معنی داری	ضریب پیرسیون	معنی داری	ضریب رگرسیون	معنی داری
	Sig.		Sig.		Sig.	
انتظارات والدین از ازدواج دخترشان (پدر و مادر)	$-0,27$	$0,000$	$-0,22$	$0,000$	$0,79$	$0,000$
انتظارات پدر از ازدواج دختر	$-0,27$	$0,000$	$-0,159$	$0,000$	$0,73$	$0,000$
انتظارات مادر از ازدواج دختر	$0,27-$	$0,000$	$-0,25$	$0,000$	$0,80$	$0,000$

BETA=-0.252 سطح معنی داری=0.000 ضریب R square=0.090

آزمون فرضیه میزان تبعیض در خانواده با میزان انتظارات والدین از ازدواج دختر، رابطه بسیار قوی میان دو متغیر را نشان داد. یعنی با افزایش تبعیض گذاری میان فرزند دختر و پسر انتظارات والدین از ازدواج دختر بسیار تغییر می کند و این دو متغیر رابطه معکوس با هم دارند. هر چه میزان تبعیض گذاری در خانواده بیشتر باشد، انتظارات والدین از ازدواج دختر کمتر است. $0,22$ ضریب پیرسون I_s با سطح معنی داری $0,000$ (جهت منفی) نشانه قوی بودن رابطه است. اگر میزان تبعیض گذاری میان فرزند دختر و پسر در زندگی خانوادگی یک واحد کمتر شود، انتظارات والدین از ازدواج دختر $0,22$ درصد بیشتر می شود. جهت بررسی دقیق تر انتظارات والدین از ازدواج دختر در خانواده ها، این انتظارات از منظر مادران و پدران جداگانه نیز بررسی شد. همانطور که در جدول فوق مشاهده می کنید انتظارات مادران با پدران تفاوت دارد، میزان تبعیض اعمالی مادران همبستگی قوی تری با انتظارات مادران از ازدواج دختران نشان می دهد. در واقع مادری که کمتر بر دختر خود تبعیض اعمال می کند بیشتر انتظارات آزادی عمل در آینده برای دختر دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

بیشترین فراوانی میزان تبعیض اعمال شده بین دختر و پسر متعلق به ۳۰ درصد، یک سوم از خانواده‌ها و در گزینه متوسط است. در ۲۶ درصد خانواده‌ها مقدار زیاد و بسیار زیاد تبعیض وجود دارد. و در ۴۷ درصد خانواده‌ها تبعیض کم و بسیار کم است. پس کلا تبعیض در سطح متوسط و کم و بسیار کم ۷۷ درصد می‌باشد که قابل توجه است. وجود کمی تبعیض در خانواده‌ها جالب است. تحقیق سراج زاده و جواهری نیز نشان داد که برابری گرایی جنسیتی بر اساس دو بعد نقش‌های خانگی و نقش‌های اجتماعی وجود دارند، و در حد قابل ملاحظه ای افراد به نگرش‌های جدید برابر گرا در تقسیم نقش‌های جنسی گرایش دارند (سراج زاده و جواهری، ۱۳۸۵: ۳). بین میان‌نگین نظرات مادران در مورد مقدار تبعیض میان دختر و پسر آنان در خانه با نظرات پدران تفاوت زیاد و معنا داری وجود دارد در مصاحبه با پدران بیشترین فراوانی میزان تبعیض متعلق به گزینه متوسط ۳۳,۰ است که نشان می‌دهد از نظر پدران میزان تبعیض اعمالی در خانه بیشتر به سمت زیاد و بسیار زیاد در مقایسه با جدول کل تبعیض حرکت کرده است. به این مفهوم که میزان تبعیض زیاد و بسیار زیاد از نظر پدران بیشتر از جدول کل شده است. و بالعکس مادران تبعیض کم و بسیار کم را گزارش دادند. در بررسی میانگین در آمد نشان داد که رابطه معنا دار میان میانگین درآمد خانواده و سطح تبعیض در خانواده وجود دارد. یعنی با افزایش در آمد خانواده سطح تبعیض کمتر می‌شود جهت معکوس با علامت منفی دیده می‌شود و نشانه کم شدن تبعیض است. این نتایج با تحقیق موحد عنایت و گرگی نزدیک است که نشان می‌دهند وضعیت اشتغال مادر، تحصیلات و نوع شغل بر نگرش زنان بر نابرابری جنسیتی موثر دانسته اند. (موحد، ۱۳۸۴).

در مولفه آزادی عمل استقلال در جامعه بیشترین فراوانی متعلق به تبعیض کم است. اما در مقایسه سه پرسش آن، در دو مولفه "به پارک رفتن، کوچه خیابان گردی" و "در رستوران بیرون غذا خوردن" تبعیض کم است. ولی در سفر کوتاه و با دوستان تبعیض زیاد بیشترین فراوانی را دارد. خانواده‌ها به دختران بسیار کمتر از پسران اجازه سفر رفتن با دوستان به شهرهای دیگر می‌دهند. در مولفه اهمیت و الویت روزانه سهم دختران از انتخاب اول در غذاها و انتخاب کانال تلویزیون و استفاده از ترد میل و کامپیوتر مانند پسران است. به این معنا که در خانواده‌ها به دختران و پسران اجازه یکسان داده می‌شود. در مولفه تسهیلات کلی دادن بیشترین فراوانی متعلق به تبعیض کم است. در ۵۲ الی

۵۷ درصد که بیش از نیمی از خانواده‌ها می‌شوند، سهم دختران از اتاق‌ها و مهمانی دادن در خانه یکسان با پسران است. اما در استفاده از اتومبیل تبعیض زیاد است. الویت با پسران است. در مولفه حمایت مالی کردن بیشترین فراوانی متعلق به تبعیض کم است. به طوریکه در ۵۲ الی ۶۶ درصد خانواده‌ها، سهم دختران از پول توجیبی گرفتن و به کلاس‌های مختلف آموزشی و هنری رفتن و خرید کادو و سایل درسی در خانه، یکسان با پسران است. فقط در گرفتن سرمایه اولیه برای کسب و کار بیشترین فراوانی در تبعیض زیاد است و پسران بیشتر از دختران از سرمایه پدر برای کار و درآمد زایی استفاده می‌کنند. از میان کل موارد تبعیض که در جدول آمده "در کسب سرمایه از پدر" و "استفاده از اتومبیل" و "سفر کوتاه با دوستان" بالاترین مقدار تبعیض بین دختر و پسر دیده می‌شود. در واقع وقتی از فضای خانه بیرون می‌رویم خانواده به هراس می‌افتد و بین دختر و پسر فرق می‌گذارد. این نتایج با نظرات رفیع هماهنگ است که از عواملی که به رشد تبعیض در جامعه کمک می‌کند؛ جدایی‌گزینی مکانی افراد جامعه را می‌داند. تبعیض جنسی، تبعیض مذهبی و تبعیض سنی از انواع رایج تبعیض هستند. (رفیع پور، ۱۳۷۷). انتظارات والدین از ازدواج دختر، انتظارات جدید تر شده و با عرف قدیم و توقعات سنتی فاصله گرفته است. انتظارات کم از ازدواج دختر خود را فقط ۷۰ نفر از والدین دارند که شامل ۱۴ درصد از والدین می‌باشند. بقیه والدین شامل ۸۶ درصد از والدین انتظارات متوسط و زیاد از ازدواج دختران خود دارند. در این جا تحول عجیب نظرات والدین در مورد ازدواج دخترانشان رخ داده است. در ۳۶ درصد والدین یعنی بیش از یک سوم خانواده‌ها انتظارات زیاد از ازدواج دختر وجود دارد.

بدین معنی که از بی‌اهمیتی جامعه به اشتغال زن حرف می‌زنند، انتظار شغل برای دختران خود را دارند، حق کار کردن پس از ازدواج برای دختر خود قایل هستند، حق درس خواندن در خانه شوهر می‌خواهند و حتی اگر همسر دختر اشکال تراشی کرد حق جدا شدن برای دختر خود قایل هستند و حتی پدر برای دختر خود حق ارث برابر با پسر خود را می‌خواهد. (جدول ۵). تفاوت معنی داری میان نظرات مادران و پدران از انتظارات شان برای ازدواج دخترشان وجود دارد. در مادران ۴۱ درصد آنان انتظارات زیاد برای ازدواج دختر خود دارند. درحالی‌که پدران فقط ۳۰ درصد خواهان این سطح هستند. و تعداد کمتری از مادران بی‌توقع و مثل گذشته میل به تابعیت دختر از قوانین مرد سالاری را دارند. این نتایج با نظرات کارتوسی هماهنگ است که وقایع مهم زندگی افراد مثل

کودکی، همسالان، ازدواج، بچه داری، خانه داری، اشتغال و.... موجب ایجاد سرمایه اجتماعی جنسیتی و متفاوت شدن ویژگی‌های زنان و مردان و نوع و منبع حمایت دریافتی شان شده زنان و مردان را از هم متفاوت می‌سازد. این چرخه زندگی زنان و مردان و شرایط خاص زندگی زنان است که روابط آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (کارتوسی، ۲۰۰۴: ۴). در این تحقیق از میان والدین فقط ۲۵ درصد برای دختر خود تبعیض را پذیرفته و تن دادن دختر به سرنوشت خود را قبول داشتند. که عمدتاً شامل پدران تابع عرف و بی‌اقتدار در این مدل می‌شوند.

در سطح عملی در درون جامعه میزان تبعیض بسیار تغییر کرده است و فقط در یک چهارم خانواده‌ها تبعیض بین دختر و پسر کما فی سابق و طبق عرف قدیم جامعه اعمال می‌گردد. درسه چهارم خانواده‌ها عرف رفتار میان دختر و پسر دگرگون شده و عملاً بین فرزند پسر و دختر خود برابری را اجرا کرده‌اند. این فرزندان دختر وقتی وارد مرحله ازدواج می‌شوند با قوانین و تبعیض‌های اجتماعی روبرو می‌شوند. در بدو شکل‌گیری آیین و مراسم ازدواج اکثر خانواده‌ها خواهان آزادی عمل بیشتر بر خلاف قانون و سقف روابط رسمی هستند. این نتایج با دیدگاه بم هماهنگی دارد که منشأ تفاوت‌های روان‌شناختی بین دو جنس را مسائل و انتظارات اجتماعی و فرهنگی می‌داند و معتقد هست این انتظارات نقش‌های جنسیتی و رفتاری متفاوتی را برای دو جنس به دنبال دارد. (برای نمونه: بم، ۱۹۷۴: ۱۵۵-۱۶۲). در تبعیض‌گذاری میان دختر و پسر شغل پدر و مادر، سواد والدین، سن پدر و مادر، و عمر خانواده و درآمد تأثیری نداشتند. در واقع تبعیض بین دختر و پسر در هر شغل و سواد و سن و در امدی اعمال می‌شود. اما زمانی که مادر از پدر کم سن تر بوده و بیشتر در معرض پدر سالاری باشد مادر کمتر تبعیض قائل می‌شود. سطح تبعیض‌گذاری میان فرزند دختر و پسر با انتظارات والدین از ازدواج دختر همبستگی دارد و این دو متغیر رابطه معکوس با هم دارند. هر چه میزان تبعیض‌گذاری میان فرزند دختر و پسر در زندگی خانوادگی کمتر باشد، میزان انتظارات والدین از ازدواج دختر بیشتر می‌شود. این نتایج با مفهوم عادت واره، در دیدگاه بوردیو، هماهنگ است. عادت واره نوعی آمادگی عملی، آموختگی ضمنی و تربیت یافتگی اجتماعی از نوع ذوق و سلیقه است، که به عاملان اجتماعی این امکان را می‌دهد که روح قواعد، آداب، جهت‌ها، ارزش‌ها، روش‌ها و دیگر امور حوزه (میدان) خاص خود (میدان علمی، اقتصادی، ورزشی، هنری، سیاسی و...

(را دریابند، و درون آن پذیرفته شوند، جا بیفتند و منشأ اثر شوند (بوردیو، ۱۳۸۰: ۱۶). همبستگی نظرات مادران قوی تر از نظرات پدران است.

میان تبعیض بروز یافته در خانه و از انتظارات مادران و پدران برای ازدواج دخترشان تفاوت معنی داری وجود دارد. آزمون فرضیه میزان تبعیض در خانواده با میزان انتظارات والدین از ازدواج دختر رابطه بسپار قوی میان دو متغیر را نشان داد. بر اساس نتایج فوق وقتی که سطح تبعیض کم است، انتظارات والدین هم مدرن تر و برابر خواها نه شده است. اهمیت تک فرزندی (داشتن تک فرزند دختر) در فضای اجتماعی ایران نیاز به تمهیدات بیشتر برنامه ریزان و قانون گذاران دارد تا خانواده بتواند با آرامش دختر خود را به ازدواجی برابر و نه آسیب زننده و صدمه پذیر از سوی قوانین نابرابر زناشویی و خانوادگی بسپرد. و همه والدین امنیت روانی بیشتری را تجربه کنند. آنچه در جامعه جاری است با سیاست‌های تزریقی و تصویری براحتی عوض نمی‌شود. برنامه ریزی‌های دقیق و اجرای عملی برنامه‌های مبتنی بر بستر اجتماعی و جمعیتی یک جامعه توسط جامعه شناسان و مهندسين اجتماعی هوشمند که بتوانند مسیر فرآیندهای اجتماعی را درک کرده و بستر و زیر ساخت روابط میان پدیده‌های مختلف را در نظر بگیرند، تا بتوان از آسیب‌های وارده جلوگیری کرد. والدین با حمایت از فرزند خود به خصوص با توجه به تک فرزندی شدن جامعه و نیاز خانواده‌ها به اشتغال زن که در خانواده‌های مورد بررسی در تحقیق دیده شد، ترجیح می‌دهند فرزند دختر آنان تلخی و نا کامی مادر را تجربه نکنند.

منابع

- اعزازي، شهلا. (۱۳۸۰). خشونت خانگی زنان کتک خورده، تهران: نشر سالی.
- اعزازي، شهلا. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی خانواده با تاکید بر ساختارها و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- امامی‌نصیر محله‌ای، علی، (۱۳۸۳)، بررسی عوامل موثر بر میزان قدرت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی. تهران.
- بوردیو، پی‌یر، ۱۳۸۰، نظریه کنش، برگردان مرتضی مردی‌ها، تهران: نقش و نگار.
- جنکینز، ریچارد، ۱۳۸۵، پی‌یر بوردیو، (برگردان لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان)، تهران: نی
- خالق باقری، راضیه، ۱۳۸۰، " بررسی رابطه بین طرح‌واره‌های جنسیتی و سازگاری اجتماعی نوجوانان شهر تهران". پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه الزهرا.
- رابینز، جان. تیر ۱۳۸۶، آیا تبعیض نژادی همچنان وجود دارد؟ سیاحت غرب. (ترجمه بی‌نا). شماره ۴۸

۱۳۸.....پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال سیزدهم، شماره اول و دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۸

- رفیع پور، فرامرز، (۱۳۷۷) آناتومی جامعه: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی، تهران: انتشارات کاوه، ۱۳۷۷
- رواسیان کاشی، سمیه، (۱۳۸۷) فصل مشترک تبعیض‌ها؛ بررسی کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، تهران: شیرازه. ۱۳۸۷
- ریتزر، جورج. (۱۳۷۳). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. (ترجمه، محسن ثلاثی). تهران: نشر علمی.
- ساروخانی، باقر. ۱۳۷۰، دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان.
- سراج زاده و جواهری، ۱۳۸۵، "برابری گرایبی جنسیتی در میان دانشجویان و متغیرهای زمینه‌ای و نگرشی مرتبط با آن". مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۲، ۳: ۳۹.
- شادلو، شیده، ۱۳۸۰، "نقش فرهنگ در متعادل ساختن نگرش‌های جنسیتی در حیات اجتماعی برای توانمند ساختن زنان" مجموعه مقالات همایش توانمندسازی زنان، تهران: مرکز مشارکت زنان،
- طالب، مهدی و گودرزی، محسن. ۱۳۸۳، قومیت و جنسیت: مطالعه موردی گروه‌های قومی در سیستان و بلوچستان. پژوهش زنان. شماره ۱، ص ۴۸-۲۳
- فکوهی، ناصر(۱۳۸۴) «ساز و کار تبعیض مثبت به مثابه ابزار محرومیت زدایی با نگاهی به موقعیت زنان در ایران»، پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۳، صص ۱۱۵-۱۴۱.
- کلمن، جیمز، ۱۳۷۷، بنیادهای نظریه اجتماعی. (ترجمه: منوچهر صبوری). تهران: نشر نی.
- گروسی، سعیده، احمدی؛ حبیب، ۱۳۸۳ زمستان، "بررسی تأثیر برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی بر نابرابری جنسیتی". مطالعات زنان، سال ۲، شماره ۶،
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی. ترجمه، منوچهر صبوری، تهران: اورامان.
- گولدو کولب، جولوس و ویلیام ل، (۱۳۷۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، (ویراستار: محمد جواد زاهدی مازندرانی)، تهران، انتشارات مازیار.
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۷۹) زمینه‌های ظهور فمینیسم در غرب، مجموعه مقالات همایش اسلام و فمینیسم، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد،
- میشل، آندره (۱۳۷۴) پیکار با تبعیض جنسی، (ترجمه محمد جعفر پوینده)، تهران: نگاه.
- موحد، مجید و عنایت، حلیمه و گرگی، عباس. تابستان ۱۳۸۴. عوامل اقتصادی - اجتماعی موثر بر نگرش زنان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی. پژوهش زنان. شماره ۱۲.
- وود و شرمین. ۱۳۶۶، دیدگاه‌های نوین جامعه‌شناسی. (ترجمه: مصطفی ازکیا). تهران: انتشارات کیهان.
- Bem, sandra L. (1974). The measurement of psychological androgyny. journal of consulting and clinical psychology, 42, 155-162.